

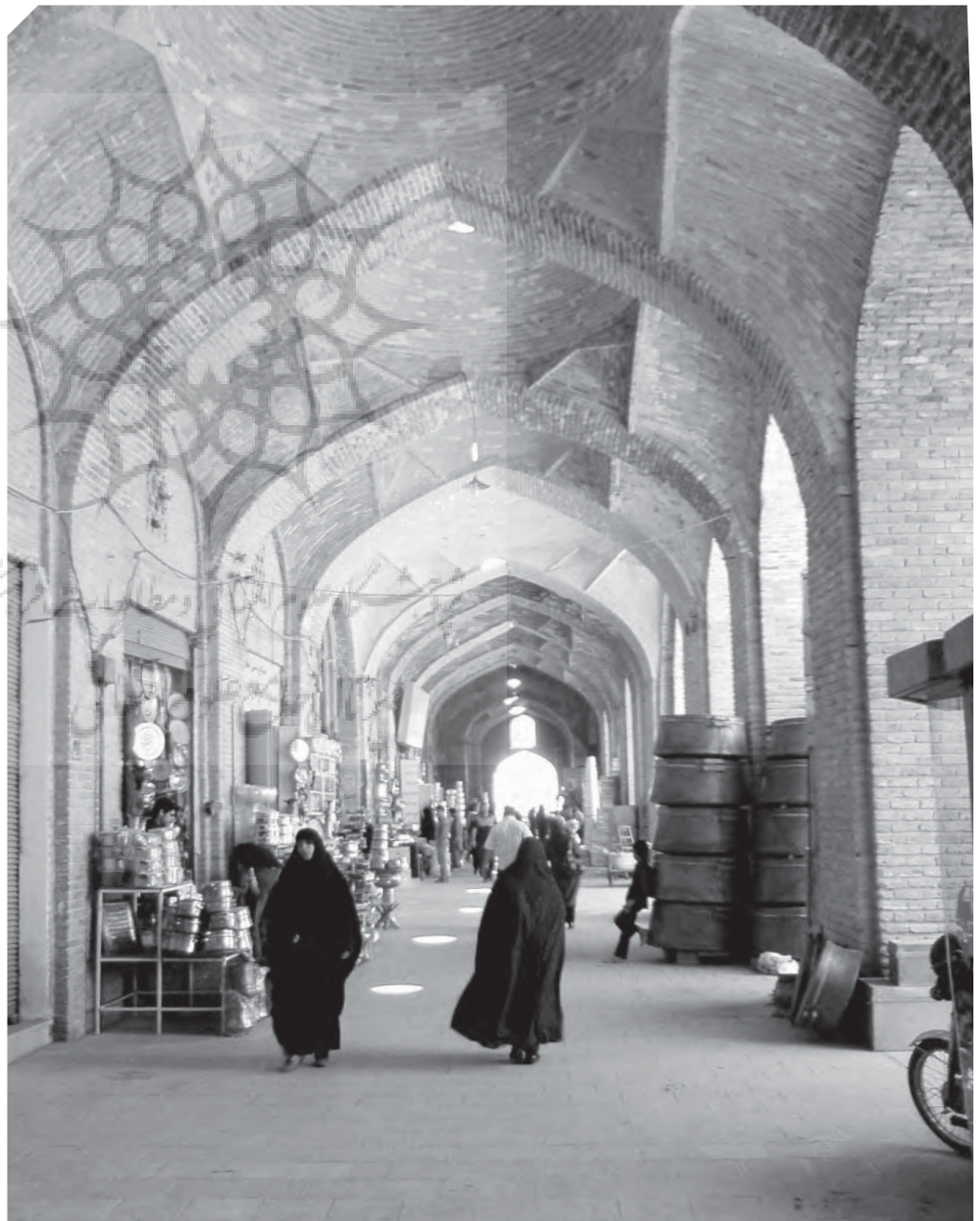
# نقش تاریخ شفاهی در مطالعات تاریخی اقتصاد ایران

▪ دکتر علی اصغر سعیدی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

## چکیده

هدف اصلی این مقاله نشان دادن مصاحبه‌هایی با مردم به ویژه با تاجران و طبقات حاکم است که نقش‌های شان در تاریخ سیاست و اقتصاد اهمیت داشته است و همین به عنوان یک بایگانی شفاهی نمونه محسوب می‌گردد و منبع مناسبی برای تهیه شرح حال است. به همین سبب این مقاله محتواها، تولیدات و روش‌شناسی‌های طرح‌های تاریخ شفاهی ایرانی را که منبع مناسبی برای مطالعه نقش آن‌ها در تاریخ سیاسی و اقتصادی ایران است، در دوره پهلوی تحلیل می‌کند (۱۳۵۷-۱۳۱۶ش / ۱۹۴۰-۱۹۷۹م). مقاله پردازش این طرح‌ها را اعم از موافقت‌نامه رسمی، روش مشاهده، مصاحبه فردی، یادآوری خاطرات در مورد دیگران، پردازش، حفظ و افزایش عینیت و... را مرور می‌کند. این مقاله مجموعه تاریخ شفاهی را مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد که برای فهم ما از حوزه‌های اساسی تاریخ جهانی در طول قرن گذشته بسیار راهگشا خواهد بود. این مقاله همچنین آن طرح‌های تاریخ شفاهی را که به طور استثنایی به جا هستند نه به علت تغییرات رایج در تاریخ جهانی بلکه به علت تجربیات بسیاری از مردم که در عرصه سیاست با آن سروکار دارند را نگهداری می‌کند؛ همچنین فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آن‌ها و بهم ریختگی‌های سال‌های گذشته زندگی آن‌ها باید ضبط و جمع‌آوری شوند و در دسترس نسل‌های آینده محققان در قالب‌های متفاوت قرار گیرد. مجموعه‌های تاریخ شفاهی یکی از روش‌های بررسی تاریخی بر پایه روش‌شناسی کیفی در علوم اجتماعی به شمار می‌آیند که به عنوان مآخذ علمی درجه اول در تحلیل‌ها و در مطالعات استفاده می‌شود. این نوع مجموعه‌ها در بسیاری از کشورهای غربی در تمام زمینه‌ها به صورت طرح‌های ملی به طور دایمی در جریان است. مجموعه‌های



تاریخ شفاهی در ایران نیز برخلاف تحقیقات تاریخی زیادی که بعد از سقوط سلسله پهلوی در ایران انجام شده است، رهیافت دیگری دارند و با هدف جبران کمبود محسوس انتشارات تاریخی به ویژه تاریخ اقتصادی صورت گرفته و در تلاش بوده‌اند تا ابعاد سیاسی و رویدادهای تاریخی را که به آن بسیار پرداخته شده، به کناری گذارند و به تحولات اساسی اجتماعی و اقتصادی آن دوره بپردازند. هدف اصلی این مقاله توصیف و تحلیل عینیت علمی و نقش این مجموعه‌ها بر اساس ارائه گزارشی از اهداف و روان‌شناسی آن‌هاست. در این راستا نشان داده خواهد شد که چگونه مصاحبه با رجال سیاسی و اهل دیوان، رهبران و هواداران نهضت‌های اسلامی، نویسندگان، هنرمندان، روشن‌فکران، زنان، اقلیت‌های قومی و دینی و نیز مقامات و فن‌سالاران اقتصادی، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی می‌تواند به رفع برخی ابهامات در تاریخ اقتصادی معاصر کشور کمک کند. چون به هر حال در تعریف تاریخ اقتصادی دست ما باز است و می‌توانیم از تحولات اجتماعی و سیاسی نیز در تبیین تحولات اقتصادی استفاده کنیم. همچنین سعی می‌کنیم تا حدی این مسئله را روشن کنیم که چگونه جمع‌آوری این گونه روایت‌ها از گروه‌های برجسته اجتماعی، اقتصادی و سیاسی براساس روش‌شناسی علمی و کیفی توانسته است بایگانی‌های فوق‌العاده و منابع منحصر به فردی برای انجام تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی و شرح‌حال‌نویسی فراهم کند. بحث روش‌شناسی تاریخ شفاهی در ضمن مشکلات تهیه این مجموعه‌ها را نیز نشان می‌دهد. در پایان نیز به ارزیابی پیامدهای ناخواسته گسترش این نوع روش‌ها در تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی می‌پردازیم بلکه این سؤال را مطرح خواهیم کرد که آیا گسترش مجموعه‌های تاریخ شفاهی در ایران خود

نشانه رشد پدیده بازاندیشی اجتماعی (Social-reflexivity) و فردیت و امکان ابراز خود (Self-expression) نیست که به صورت طیفی از داستان‌نویسی، شرح حال نویسی و حدیث نفس (اتوبیوگرافی) نمودار می‌شود؟ (ر.ک. گیدنز، ۱۳۸۰).  
وضع موجود مجموعه‌های تاریخ‌های شفاهی (با تأکید بر ابعاد اقتصادی) خاستگاه مجموعه‌های تاریخ شفاهی در علوم اجتماعی برخلاف انتظار به اختراع دستگاه ضبط صوت بر نمی‌گردد بلکه در دهه ۱۹۶۰م. بود که اولین برنامه تاریخ

**در ایران هیچ سابقه‌ای از وجود تاریخ شفاهی تا بعد از انقلاب وجود ندارد و تنها بعد از انقلاب شرایطی فراهم شد که امکان جمع‌آوری علمی مصاحبه را فراهم کرد.**

شفاهی در دانشگاه کلمبیای نیویورک توسط آلن نوینز تأسیس شد و طی آن خاطرات بعضی از شخصیت‌های تاریخی را ضبط کردند. در سال ۱۹۶۲م. پس از قتل کندی برنامه‌ای برای ضبط خاطرات همکاران او براساس شیوه تاریخ شفاهی در دانشگاه کلمبیا تدوین شد که هزار و یکصد نفر مصاحبه و خاطراتشان ضبط شد. این برنامه در دوره جانسون هم ادامه یافت. در حال حاضر صدها طرح تاریخ شفاهی در اروپا و آمریکا وجود دارد و برنامه‌های تاریخ شفاهی به عنوان طرح ملی به حساب می‌آید که در طول سال با تمامی قشرهای مختلف گفت‌وگو می‌گردد و تجربیات آن‌ها جمع‌آوری می‌شود (ر.ک. یوسفی، ۱۳۸۲، ص ۲۰). بعلاوه گسترش خاطره‌نویسی و وجود این مجموعه امکان کارهای متعددی را فراهم کرده است؛ به‌طور مثال یکی از کاربردهای مشخص و روزانه این مجموعه‌ها وجود صفحه‌های در روزنامه‌ها به نام صفحه شرح حال در گذشتگان (Obituary) است که در کشورهایی که در این زمینه زیاد کار نکرده باشند، نمی‌توان به‌طور منظم به این کار دست زد.

در ایران هیچ سابقه‌ای از وجود تاریخ شفاهی تا بعد از انقلاب وجود ندارد و تنها بعد از انقلاب شرایطی فراهم شد که امکان جمع‌آوری علمی مصاحبه را فراهم کرد. این مسئله مهمی است که وجود این شرایط اگر نبود، امکان جمع‌آوری علمی مصاحبه فراهم نمی‌شد. این شرایط در مورد برخی دیگر تاریخ‌های شفاهی مانند تاریخ شفاهی روسیه در دانشگاه هاروارد نیز صدق می‌کرد. نیاز به جمع‌آوری تاریخ شفاهی به علت کمبود مدارک تاریخی در ایران بود؛ به ویژه برای تحلیل‌های تاریخی که تا حد زیادی به نظام سیاسی بسته ایران برمی‌گشت بعلاوه این که دلایل دیگر نیز وجود داشت که تمامی محققان تاریخ با آن آشنا هستند از جمله پراکندگی اسناد و مدارک و نبود یک نظام صحیح در نگهداری مدارک و اسناد

تاریخی. البته آنچه در این دوره معاصر تا انقلاب به طور نظام یافته می‌توان یافت، مربوط به مدارکی نزد خارجی‌ها می‌شود که در بسیاری موارد دسترسی به آن محدود است. مانند وجود مرکز ثبت مدارک عمومی در بریتانیا (Public Record Office) که پس از گذشت ۳۵ سال از عمر اسناد محرمانه وزارت خارجه و کنسول‌های خارجی در دسترس عموم قرار می‌دهد.

### طرح تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد

اما در مورد ایران پیشنهاد اجرای اولین طرح تاریخ شفاهی توسط دانشگاه هاروارد براساس مدل تاریخ شفاهی انقلاب روسیه انجام شد؛ زیرا مشابهت‌هایی از این جهت بین دو انقلاب وجود داشت برای مثال هر دو انقلاب به مهاجرت مقامات رده اول انجامیده بود.

شروع کار تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد با مدیریت حبیب لاجوردی سال ۱۹۸۱م. شروع شد. بودجه طرح که به عنوان طرحی که ابزار مطالعات بعدی (re-search tool) را تقویت می‌کند به حساب می‌آمد، توسط بنیاد فورده، کمک‌های ایرانی و دانشگاه هاروارد تأمین شد. هدف طرح نیز استفاده از فرصت منحصر به فرد وجود مقامات ارشد رژیم پهلوی در خارج برای جمع‌آوری خاطرات بود.

سؤالات اصلی حول نقش و جایگاه روایت‌کننده در طبقه حاکم و رابطه‌اش با شاه بود. همچنین، سؤالات بیشتر در جهت روشن‌شدن خاستگاه‌های اجتماعی و سیاسی مصاحبه‌شونده و روشن کردن نوع اقتدار نظام سیاسی و نهادهای اصلی آن بود.

در این طرح با ۱۳۲ نفر مصاحبه شد و نتیجه کار حدود ۱۸۰۰۰ صفحه شد. همچنین براساس توافق‌نامه دو روایت‌کننده از مجموعه هنوز مشخص نیست و منتشر نشده است. این امکانی است که همان‌طور که در قسمت ویژگی‌های روش‌شناسی به آن اشاره می‌کنیم، در

اختیار افراد قرار می‌گیرد تا با اطمینانی که به آن‌ها داده می‌شود، روایت‌ها در محیطی خالی از نفوذ عوامل بیرونی در ذهن روایت‌کننده باشد.

البته این نوع طرح‌ها و مجموعه‌ها مشکلات خاص خود را دارند که عبارتند از جدی بودن کار به ویژه برای مصاحبه‌شونده که علیرغم این‌گونه اطمینان‌ها به هر حال ممکن است سوءظن‌هایی ایجاد کند.

### بایگانی تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران

مجموعه‌های تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران به طور اخص با حفظ ویژگی‌های اصلی روش‌شناسی به طور دیگری منتشر شده‌اند؛ یعنی اول ضبط مصاحبه‌ها؛ دوم پیاده‌شدن و سوم بازبینی توسط روایت‌کننده. این مجموعه‌ها با نام مجموعه توسعه و عمران ایران منتشر شده است (Afkhami, 1994).

«برنامه انرژی اتمی ایران تلاش‌ها و تنش‌ها، مصاحبه با اکبر اعتماد». مصاحبه اکبر اعتماد درباره تاریخ برنامه انرژی اتمی حول سیاست آمریکا و ایران، سؤال اصلی است که در این کتاب مطرح شده است. همچنین خواننده با تاریخچه تشکیل و تحول سازمان انرژی اتمی آشنا خواهد شد. برای مثال این مسئله مطرح می‌شود که آیا آمریکا با وجود رابطه خوب با شاه با انجام این طرح موافق بود؟ (Afkhami, 1997).

سایر آثار این مجموعه نیز عبارتند از: «تحولات صنعت نفت ایران، نگاهی از درون، مصاحبه با پرویز مینا و فرخ نجم‌آبادی» (Afkhami, 1998). تاریخ صنعت گاز ایران، مصاحبه با محسن شیرازی» (Afkhami, 1999b). «تاریخ صنعت پتروشیمی ایران، مصاحبه با باقر مستوفی» (Afkhami, 2001a). «سیاست و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران، مصاحبه با علی نقی عالیخانی» درباره سیاست‌های اقتصادی دهه ۱۳۴۰، (Afkhami, 2001b)؛ یعنی دهه‌ای که

دولت تمام‌عیار و با تمام قوا به صحنه اقتصاد وارد شد و ابزارهای نوین چون بانک مرکزی، سازمان برنامه و بانک‌های تخصصی در توسعه اقتصادی سود جست (Afkhami, 2001b)؛ جامعه، دولت و جنبش زنان در ایران، مصاحبه با مهرانگیز دولت‌شاهی (Afkhami, 2002)؛ جایگاه زنان در تاریخ شفاهی ایران کمرنگ است و همان‌طور که در قسمت آخر خواهیم گفت یکی از ویژگی‌های تاریخ شفاهی و شرح حال نویسی بیان خود (Self expression) در مقابل یا در کنار جامعه است. مجموعه «توسعه و عمران در خوزستان» که از جمله اولین آثار این مجموعه بوده است (Afkhami, 1994). مجموعه مصاحبه با عبدالمجید مجیدی (وزیر کار دوره پهلوی و رئیس سازمان برنامه)، «خداداد فرمانفرمایان و گودرزی درباره سازمان برنامه و تصمیم‌گیری اقتصادی و نقش شاه و رابطه وی با کارشناسان» (Afkhami, 1999a). به‌طور کلی می‌توان گفت که این مجموعه با هدف رفع ابهامات از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و نیز شفاف کردن حوزه کارشناسی و تعیین صحت آمار و اطلاعات رسمی در تاریخ معاصر اقتصادی تهیه شده است.

### طرح تاریخ شفاهی اقتصادی دانشگاه لندن

این طرح که در سال ۲۰۰۰م. در دانشگاه لندن، مرکز مطالعات خاورمیانه‌ای به مدیریت نویسنده آغاز شد، هدفش جمع‌آوری روایت فعالان اقتصادی از تجربه خودشان در دوره پهلوی بود. آنچه در تاریخ اقتصادی معاصر از این دسته وجود دارد این است که فعالان اقتصادی و کارآفرینان ایران از میان گروه کارخانه‌داران و بازرگانان از اواسط دهه ۱۳۳۰ش به یک گروه برجسته اجتماعی-اقتصادی شامل صنعتگران بزرگ، بانکداران، صادرکنندگان، واردکنندگان، پیمانکاران و مهندسان مشاور توسعه یافتند. اما فهم چگونگی شکل‌گیری و توسعه این



گروه بر پایه اقتصاد و مدیریت مدرن بدون وجود این روایت‌ها نمی‌توانست به ابهاماتی در مورد خاستگاه آن‌ها، یعنی خاستگاه بخش تجاری یا زمین داری، نحوه توسعه فعالیت‌ها از بخش تجاری به بخش صنعت، از بازارهای محلی به بازارهای ملی و منطقه‌ای، نحوه تأمین اعتبارات، نقش آن‌ها در اتاق بازرگانی و انجمن‌های حرفه‌ای، تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های اقتصادی و... دست‌یافت.

ضبط تجربه این گروه با مشکلات خاصی روبرو بوده که شاید در طرح‌های دیگر وجود نداشت گرچه تعهد روش‌شناختی این مجموعه مانند دیگر طرح‌های تاریخ شفاهی بود. برخلاف سیاستمداران، روشنفکران، هنرمندان و حتی روحانیان که خاطرات خود را نوشته و یا حاضر به مصاحبه شده‌اند، فراوانی خاطرات فعالان اقتصادی و سرمایه‌دارانی که خاطرات خود را نوشته باشند شاید از انگشتان یک دست هم تجاوز نکند. به همین سبب کار این طرح به مراتب از سایر طرح‌ها مشکل‌تر بود. روش‌شناسی این مجموعه براساس مصاحبه باز، عمدتاً براساس مدل تاریخ شفاهی هاروارد قرار داشت. مصاحبه با مقامات اقتصادی و مدیران بانک‌ها و برخی صاحبان صنایع در اولویت قرار گرفته است. در این طرح با بسیاری گفت‌وگو شد، اما تنها شش مصاحبه ضبط گردید و ۱۶ ساعت گفت‌وگو جمع‌آوری شده است که در مرحله استخراج قرار دارد (Saeidi, 2004).

سایر مجموعه‌های موجود تاریخ شفاهی نیز عبارتند از:

### تاریخ شفاهی فعالان چپ

این مجموعه در مؤسسه بین‌المللی تاریخ اجتماعی هلند، به مدیریت تورج اتابکی تهیه شده است.

### تاریخ شفاهی روابط ایران و آمریکا

این مجموعه در دفتر مطالعات ایران تهیه می‌شود که هدفش گفت‌وگو با مقامات ارشد آمریکایی درباره سیاست‌های خارجی آمریکا در مورد

ایران است.

### روش‌شناسی تاریخ شفاهی: عینیت علمی، اهداف و روش‌شناسی

نکات روش‌شناختی زیر باید در بیشتر طرح‌های تاریخ شفاهی رعایت گردد تا یک مجموعه علمی به حساب آید. برخی از این نکات شاید در برخی کشورها انجام نشود، اما در مورد تاریخ شفاهی‌های ایران این مسئله صورت دیگری دارد.

قدم مهم عملی که باید به عنوان یک نکته روش‌شناختی توجه شود، فهرست کردن افراد برای مصاحبه است. ما باید معیارهای خود را در این مورد انتخاب و ارائه کنیم.

به‌طور مثال، در تمام طرح‌های تاریخ شفاهی ایران اولویت به مسن‌ترها و برجسته‌ترین آن‌ها داده می‌شود؛ چون تاریخ شفاهی‌های ایران در وهله اول به جمع‌آوری روایت‌های نخبگان سیاسی پرداختند، به دو دلیل دست به اولویت‌بندی زدند:

۱. به دلیل زمان کوتاه زندگی. برای مثال پس از انقلاب بسیاری از سرمایه‌داران اصلی دوره پهلوی مانند حبیب ثابت، صاحب کارخانه‌های شیشه‌سازی و یکی از قدیمی‌ترین کارآفرینانی که بخشی از فعالیت‌هایش مربوط به دوره جنگ جهانی و حضور نیروهای متفقین در ایران بود؛ سعید هدایت، صاحب کارخانه نقش جهان؛ ابونصر عضد صاحب نیشکر اهواز؛ طاهر ضیایی صاحب سیمان خوزستان و فارس و رئیس چند دوره اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران؛ محمود رضایی صاحب مس سرچشمه؛ احمد خیامی صاحب فروشگاه‌های کوروش و بیمه آسیا؛ نمازی صاحب کارخانه آجرسازی و نساجی؛ رشیدیان صاحب عمده بانک تعاون و توسعه؛ علی کاشانچی، از قند شاه زند؛ حسین قاسمی از گروه صنعتی پارس؛ حاج محمد تقی برخوردار از پارس الکتریک؛ سلیمان وهابزاده، محسن لک از جنرال تاپر و شریک در ساختمان ثابت پاسال با پناهی؛ محمد فاتح از

جهان چیت؛ حسین علاقبند صادرکننده عمده پنبه و معروف به سلطان پنبه، در گذشته‌اند که چیزی از آن‌ها ثبت نشد.

۲. در مورد تاریخ شفاهی هاروارد ترتیب مصاحبه‌ها به این صورت بود: مسن‌ترها و اعضای بالاتر طبقه حاکم؛ در مرحله بعد با روشنفکران و فعالان جنبش‌های دانشجویی دوره پهلوی، فعالان چپ، روحانیان و مجتهدان و برخی مقامات سیاسی پس از انقلاب نیز مصاحبه شد.

۳. موافقت‌نامه رسمی میان روایت‌کننده و مجری. رعایت این امر بسیار مهم است؛ یعنی دادن اطمینان که روایت‌کننده هر شرطی داشته باشد، باید انجام شود. بنابراین، شما باید در فضایی باشید که نهادهای تحقیقاتی بتوانند از این قراردادها و تعهدات حمایت کنند. در غیر این صورت ممکن است بسیاری حاضر به گفت‌وگو با شما باشند، اما حاضر به ضبط روایت‌هایشان نباشند. مصاحبه‌های غیر ضبط شده را به سختی می‌توان بدون تقویت از سایر منابع به عنوان مدارک مستقل و قراینی معتبر به شمار آورد. به هر حال شما باید بتوانید شروط مصاحبه شونده را برای مثال وقتی درخواست کند که تا ۱۰ سال بعد از مرگش متن آن‌ها را منتشر کنید به نحوه قانونمند و با ضابطه انجام دهید.

۴. تأکید بر مصاحبه‌ها بر اینکه در این طرح ما به تجارب و خاطرات روایت‌کننده نیاز داریم نه عقاید شخصی. حداقل در مورد ایرانی‌ها این مسئله وجود داشته است که روایت‌کننده ممکن است از این فرصت استفاده کنند و به تبرئه خود بپردازد یا روایت‌های حاشیه‌ای کند؛ مثلاً درباره دوره کنونی و سیاست‌های اقتصادی فعلی حرف بزند. البته اگر امکانات وجود داشته باشد همین هم خود نوعی حدیث نفس است و ممکن است حاوی اطلاعات و مدارک دیگری باشد.

۵. ایده‌آل این است که بتوان در چند مرحله مصاحبه را انجام داد یا دست کم

بتوان در دو مرحله: در مرحله نخست سوالات باز باشد و در مرحله دوم به سوالات خاص تری از همان مسائل مطرح شده در مرحله اول پرداخته شود. معمولاً هم یک گفت‌وگوی مقدماتی لازم است. در مورد تاریخ شفاهی اقتصادی این مسئله خیلی لازم است تا اهمیت کار خوب توجیه گردد (Ladjevardi, 1985). ۶. آشنایی مصاحبه‌کننده با دوره‌ای که درباره آن گفت‌وگو می‌شود و شخص مصاحبه شونده .

۷. تهیه فهرست نام‌ها و نمایه: تا در یک مجموعه دیده شود که الف) تا چه حد ما توانسته‌ایم نظر افراد مختلفی که درباره هم روایت‌هایی داشته‌اند از منابع مختلف جمع‌آوری کنیم. ب) این کار برای دیگر محققان که به دنبال منابع خام درباره افراد مختلف هستند نیز مهم است.

۸. از همه مهم‌تر اینکه هر طرح باید زیر نظر یک گروه علمی و دانشگاهی باشد. این را ما در فلسفه علم "اجتماع عالمان" می‌گوییم. نظارت آن‌ها ضامن عینی بودن کار جمع‌آوری است. پس اگر سازمان‌های مختلف بخواهند این کار را بکنند غیر از همکاری با دانشگاه امکان ندارد این مجموعه ارزشی پیدا کند.

### نقش تاریخ‌های شفاهی در

### تحلیل‌های تاریخی اقتصاد ایران

گرچه بیشتر روایت‌ها در طرح‌های تاریخ شفاهی با صاحب منصبان سیاسی، روحانیان و روشن‌فکران و فعالان سیاسی بوده است، از آنجایی که برخی این مسئله را مطرح می‌کنند که مطالعه تاریخ اقتصادی تعریف خاصی ندارد و بین تاریخ حوادث اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم شده است، به خوبی می‌توان از این‌گونه جمع‌آوری اطلاعات برای تحقیقات تاریخی-اقتصادی استفاده کرد (Outhwaite And Bottomre, 1993).

بعلاوه به طور اخص برخی از این روایت‌ها حاوی نکات جالبی است و در شرایط کمبود، مدارک و اسناد کوری را در تاریخ ما روشن کرده‌اند.

در تاریخ شفاهی هاروارد از مقامات اقتصادی زیادی مصاحبه گرفته‌اند؛ از جمله عبدالمجید مجیدی، وزیر کار و سرپرست سازمان برنامه. اظهارات وی در مورد رابطه شاه و وزرا از یک طرف و نقش وزرا در تصمیم‌گیری و یا صرف اطلاع‌دهندگی مصوبه‌های شاه به مردم و بسیاری مسائل دیگر؛ چون علل تشکیل حزب رستاخیز، حوادث تجدیدنظر در برنامه پنجم و غیره حائز اهمیت است (لاجوردی، ۱۳۸۱). همچنین رضا مقدم اولین قائم‌مقام بانک مرکزی ایران و مدیرعامل بانک توسعه و سرمایه‌گذاری که شرح درگیری کارشناسان اقتصادی باشاه و نیز چگونگی اجرای برنامه تثبیت اقتصادی در سال‌های ۴۰-۱۳۴۱ که یک اراده سیاسی و کارشناسی را برای کنترل تورم نشان می‌دهد و نیز نمودار بانک مرکزی در سال‌های اولیه تأسیس که در دو اداره، یعنی نظارت بر بانک‌ها و بررسی‌های اقتصادی استوار بود نشان می‌دهد. از دیگر شخصیت‌های اقتصادی می‌توان به مصاحبه با محمد یگانه و ابوالحسن ابتهاج اشاره کرد.

با استفاده از این روایت‌ها تصویر بسیار بهتری از آنچه وجود داشته است از دوره مداخله گسترده دولت در اقتصاد و شروع دوره تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی توسط دولت از طریق نهادهای مداخله‌ای چون بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و بانک‌های تخصصی در طرح‌های زیربنایی مانند پتروشیمی، انرژی اتمی، ذوب آهن و غیره می‌توان ترسیم کرد.

همچنین مصاحبه با برخی سرمایه‌داران تصویر جالبی از تاریخ اتاق بازرگانی، تاثیر اتاق بر سیاست‌های اقتصادی، فشارهای بیرونی دربار و مقامات سیاسی در دوره‌های مختلف بر استقلال اتاق، برخی دلایل تضاد بین تجار و بازرگانان با صاحبان صنایع مدرن بر اساس روایت آن‌ها به دست می‌آید.

سلسله مطالعات شفاهی پیرامون توسعه

اجتماعی و اقتصادی در دوره پهلوی در میان سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷ توسط مرکز مطالعات ایران رهیافت خاصی دارند. چون مصاحبه‌ها بیشتر حول موضوعات توسعه نهادها و سازمان‌ها دور می‌زند. لذا کمتر به شرح خاطرات شخصی چهره‌های مهم در فرآیند تصمیم‌گیری اقتصادی پرداخته شده است؛ به‌ویژه در دوره رشد نهادهای مالی دولتی. در این رابطه از دو مسئله نباید غفلت کرد که در پناه این دو مسئله، مطالعه این خاطرات می‌تواند مؤثرتر افتد؛ اول ظهور این نهادهای اصلی انباشت با توسعه ساختار سیاسی رژیم پهلوی مصادف بود. به این عبارت که ما با افزایش استقلال دستگاه اجرایی دولت از قوه مقننه روبه‌رو هستیم که در این میان، رفته رفته قدرت در دستان گروه نخبه‌ای کوچکی با محوریت شاه و دربار متمرکز می‌شد؛ دوم، به همین موازات دولت در توزیع سهم قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌های قابل سرمایه‌گذاری در اقتصاد نقش محوری می‌یافت. این دو عامل قدرت دخالت اقتصادی دولت را افزایش داد و نیروی بالقوه زیادی را برای نظارت بر شیوه و الگوی سرمایه‌گذاری در اقتصاد اعمال کرد.

گفت‌وگوهای کتاب مصاحبه با مجیدی و دیگران و نوشته‌های موجود بر این مسئله تأکید دارند که سازمان برنامه برای اطمینان از تأثیر تلاش‌های برنامه‌ریزی توسعه‌ای دولت در زمان بی‌ثباتی سیاسی و عدم سازماندهی اجرایی تأسیس شد و در ابتدا به لحاظ مالی نهادی مستقل از تشکیلات اجرایی عادی دولت به حساب می‌آمد. چیزی که ابتهاج، اولین رئیس قدرتمند آن همیشه در پی آن بود (لاجوردی، ۱۳۸۱). طی دو برنامه اول توسعه ۱۳۲۸-۱۳۴۱ سازمان برنامه به طور عمده درگیر ایجاد، تنظیم و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری خود، مستقل از ادارات دولتی دیگر بود. استقلال اولیه سازمان برنامه در واقع بر ساخت موقعیت سیاسی ایران در آن زمان منطبق بود.

اما با وحدت سیاسی و اجرایی بیشتر دولت بعد از ۱۳۴۱، سازمان برنامه وظیفه ایجاد، تنظیم و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری منحصر به وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی دیگر را رها کرد. این مسئله در خاطرات فرمان فرمایان به خوبی دیده می‌شود. از آغاز برنامه سوم با تشکیل شورای عالی اقتصاد که در تلاش برای هماهنگی بیشتر در سیاست اقتصادی دولت بود، سازمان برنامه در کنترل نخست‌وزیری درآمد و این موجب عزل ابتهاج گردید. در ترتیبات جدید تمام مسئولیت‌های سازمان برنامه اعم از برنامه‌ریزی ملی، نظارت عالی بر اجرای طرح‌ها توسط وزیران مسئول و ادارات و تأمین مالی برنامه‌های تصویب شده از طریق بودجه متمرکز شده، دوباره بررسی شد. با آغاز برنامه پنجم در سال ۱۳۵۲ هنگامی که بودجه‌های عمرانی و جاری دولت یکی شدند، سازمان برنامه استقلال مالی خود را از دست داد.

فرمانفرمایان همچنین به شرح و تمایز رهیافت برنامه‌ریزی خود از ابتهاج می‌پردازد وی می‌گوید: «رهیافت ابتهاج به برنامه‌ریزی رویه شکافی (the edge approach) بود؛ یعنی استقلال مالی

گرچه بیشتر روایت‌ها در طرح‌های تاریخ شفاهی با صاحب منصبان سیاسی، روحانیان و روشن‌فکران و فعالان سیاسی بوده است، از آنجایی که برخی این مسئله را مطرح می‌کنند که مطالعه تاریخ اقتصادی تعریف خاصی ندارد و بین تاریخ حوادث اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم شده است، به خوبی می‌توان از این‌گونه جمع‌آوری اطلاعات برای تحقیقات تاریخی-اقتصادی استفاده کرد.

سازمان برنامه و تخصیص کل درآمدهای نفتی به امر طرح‌های عمرانی (و نه به ارتش و بودجه جاری)». در مقابل رهیافت ابتهاج، فرمانفرمایان رویه جبهه‌ای (the frontal approach) را مطرح می‌کند؛ یعنی دخالت وزارتخانه‌ها در امر برنامه‌های عمرانی به عنوان مجری طرح. اما ابتهاج می‌گفت: نباید پول در دست وزارتخانه‌ها باشد. به گفته مخالفان ابتهاج در وزارتخانه‌ها همین رویه سازمان برنامه را دولتی در دولت کرده بود که با رشد نارضایتی‌های نمایندگان مجلس و وزرا ناچار با طرح ماده واحده در زمان اقبال عمر این رویه وی و کاریر اداری اش به سرآمد» (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۱۹۲-۳). ابتهاج می‌گفت: اگر کارهای اجرایی از سازمان برنامه برود دیگر کسی به آن وقعی نمی‌گذارد» (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۱۹۲).

سؤالی که افخمی در مورد این رویه ابتهاج مطرح می‌کند، یکی موضوعات مطالعاتی در تاریخ برنامه‌ریزی به شمار می‌آید که شایسته تحقیقات بیشتر است: آیا تاکید ابتهاج بر برنامه‌ریزی مرکزی پیامدهای نامطلوب تمرکز در نظام برنامه‌ریزی را پدید نیاورد؟ (افخمی،





۱۳۸۱، صص ۲۰۵). چیزی که بر اساس گفته‌های فرمانفرمایان بینش اصلی برنامه پنجم شد یعنی تمرکززدایی. اما مسئله جالب توجه این است که هم ابتهاج و هم فرمانفرمایان به سبب تأکید بر رهیافت‌های خود از سازمان برنامه رفتند. فرمانفرمایان هم نتوانست در مقابل واگذاری اجرای طرح‌ها به وزارتخانه‌ها، بودجه کشور را از دارایی به سازمان برنامه بیاورد تا اهمیت این سازمان از بین نرود (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۲۰-۲۱۹). به هر حال ابتهاج جای خود را به خسرو هدایت می‌دهد، مردی که برخلاف ابتهاج می‌دانست نباید سیاست را در امر اجرای برنامه‌ها ناچیز گرفت (افخمی، ۱۳۸۱،

**سلسله مطالعات**  
**شفاهی پیرامون توسعه**  
**اجتماعی و اقتصادی**  
**در دوره پهلوی توسط**  
**مرکز مطالعات ایران**  
**رهیافت خاصی دارند.**  
**چون مصاحبه‌ها بیشتر**  
**حول موضوعات توسعه**  
**نهادهای سازمان‌ها**  
**دور می‌زند. لذا کمتر به**  
**شرح خاطرات شخصی**  
**چهره‌های مهم در فرآیند**  
**تصمیم‌گیری اقتصادی**  
**پرداخته شده است.**

صص ۲۱۳). یکی از حسن‌های مصاحبه با فرمانفرمایان نشان‌دادن این مسئله است که برخلاف نظر عمومی، فن‌سالار (تکنوکرات)‌های تحصیل‌کرده آمریکا در پی استقرار تمام‌عیار یک نظام اقتصادی مبتنی بر سازوکار بازار نبودند: «ما طوری تربیت شده بودیم که معتقد به یک ایده خیلی ساده بودیم که دولت می‌تواند و باید آگاهانه به سوی اهداف اقتصادی قدم بردارد. به وسیله اقدامات دولت ما می‌توانیم در سازوکار بازار دخالت کنیم... عرضه و تقاضا زیربنا برای مملکت نمی‌سازد» (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۰۰).

اما بعد توضیح می‌دهد که در صد کنترل دولت روی منابع کل کشور نسبت به بخش خصوصی را محاسبه می‌کردیم و در صد کاهش این نسبت به نفع بخش خصوصی بودیم. مسئله مهم دیگری را که فرمانفرمایان به عنوان ضعف سازمان معرفی می‌کند، عدم توجیه برنامه برای آحاد مردم است. ما روابط عمومی درست نداشتیم که برنامه‌های کلان را برای مردم توجیه کنیم. اما باید گفت که ضعف این برنامه حداقل در چارچوب دستگاه‌های نظام سیاسی مربوط به عدم اختیارات مجلس شورای ملی می‌گردید. به این نحو که خواسته‌های مردم از طریق نمایندگان یا منعکس نمی‌شود و یا بازتاب آن در برنامه‌ها عملیاتی نمی‌گردید. مسئله جالب دیگر در گفته‌های فرمانفرمایان احداث ذوب آهن است: احداث ذوب آهن یکی از گران‌ترین صنایعی بود که در ایران پایه‌گذاری شده... ولی متأسفانه (به عدم احداث آن) یک جنبه عدم وطن‌پرستی دادند... می‌گفتند... اگر آدم می‌خواهد مستقل باشد از سیاست خارجی، باید آهن خودش بسازد (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۳۵).

اختلاف سازمان برنامه با شریف امامی هم بر سر اجرای همین طرح بود. احداث برخی از این نوع طرح‌ها بدون توجیه اقتصادی توسط تحصیل‌کرده‌های آمریکا و فن‌سالاران دهه ۴۰ و ۵۰ و یا ابلاغ

قوانینی مانند تقسیم سهام کارخانه‌ها در میان کارگران در حالی که کشور در شروع دوره صنعتی‌شدن قرار داشت، تسلط اندیشه سوسیالیسم و اجتناب‌ناپذیری آن را حتی در میان شاه و اطرافیانش به خوبی نشان می‌دهد (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۳۶-۲۳۵).

فرمانفرمایان همچنین توضیح می‌دهد که در لزوم اصلاحات ارضی او و دوستانش در ابتدای برنامه سوم قانع شده بودند که این امر اقدامی ضروری است. تمامی فن‌سالارانی که او نام می‌برد، از خانواده تجار و ملاک آمده بودند و از انجام تغییرات ارضی راضی بودند و آمریکا هم در انجام آن اصرار می‌ورزید. براساس گفته‌های وی حتی برخی از ملاکان نیز خود دست به فروش ارضی خود زده بودند (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۳۸-۲۳۶).

فرمانفرمایان هنگامی بار دیگر به سازمان برنامه برمی‌گردد که دیگر گروه مشاوران خارجی هاروارد رفته بودند اما رهیافت جبهه‌ای‌اش به برنامه‌ریزی و نهاد سازمان برنامه بدون حضور او انجام شده است یعنی کارهای اجرایی به وزارتخانه‌ها رفته و بودجه به سازمان برنامه آمده بود. توضیحات دیگر وی مسائل زیادی را روشن می‌کند؛ از جمله اینکه فن‌سالارانی که به سازمان برنامه آمده بودند ایده برنامه‌ریزی را به صورت ایده فنی می‌دیدند و نه در قالب یک فلسفه سیاسی خاص. لذا هیچ چهارچوب و طرح مشخص سیاسی خاص در نظام سیاسی دوره پهلوی نداشتند. در نتیجه واکنش آن‌ها در مقابل طرح‌های نظامی شاه یا طرح‌هایی که دربار با اعمال نفوذ انجام می‌داد، تنها استعفا یا خروج از سازمان برنامه و یا واگذاری طرح به دربار بود (افخمی، ۱۳۸۱، صص ۲۶۳-۲۵۸).

**ارزیابی پیامدهای ناخواسته گسترش تاریخ شفاهی: فرد و جامعه**  
روایت‌ها، پیاده شده و نشده، از نوع خاطره‌های فردی (memoir) اهل دیوانی است که اینک بعد از روایت شدن به

<http://ssgdoc.bibliothek.uni-halle.de/vlib/ssgfi/infodata/002343.html>.

۷. برای مثال، یکی از انتقاداتی که احتمالاً به نویسنده کتاب «هویدا ابوالهول ایرانی»، عباس میلانی وارد است، عدم استفاده از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی هاروارد است؛ در حالی که نمایه‌نام‌ها در این مجموعه بارها از او نام برده است.

8. The Iranian Oral History Project, center for Middle East Studies, Harvard University, <http://www.fas.harvard.edu/~mideast/iohp/>

۹. همان جا.

۱۰. برای بحثی در مورد نقش خاطره در مطالعات تاریخی رک. اشرف، ۱۳۷۵، صص ۵۳۸-۵۲۵.

#### کتابنامه:

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). **تاریخ رهشده**. ع.ا. سعیدی. علم و ادب.

یوسفی، مجید (۱۳۸۲). «مصاحبه مجید یوسفی با حبیب لاجوردی» در: **کتاب هفته**، شماره شهریور.

لاجوردی حبیب (ویراستار)، (۱۳۸۱). «**خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه**»، ۱۳۵۶-۱۳۵۱. انتشارات گام نو.

افخمی، غلامرضا (ویراستار)، (۱۳۸۱). **توسعه در ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰**، خاطرات منوچهر گودرزی، خداداد فرمانفرمایان و عبدالمجید مجیدی. انتشارات گام نو.

اشرف، احمد (۱۳۷۵). «تاریخ، خاطره، افسانه». **ایران نامه**. سال ۱۴، پاییز، صص ۵۳۸-۵۲۵.

Afkhami, R. (1994). *Umran-e Khuzistan (Khuzistan's Development)*, Iran Interview with Abdorreza Ansari, The Foundation for Iranina Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.

Id. (1997). *Barnâme-ye enerzhi-ye atomi-ye iran: talâsh-ha va tanish-hâ (Iran's Atomic Energy program: mission, structure, politics)*, Interview with Akbar Etemad, The foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.

Afkami, R., & Afkhami, R. (1998). *Tahavvul-e san'at-e naft-e iran: negâhi az darun (The evolution of Iran's oil Industry)*, Interview with

انتقادی تر با آن‌ها مصاحبه نکرده‌اند؟ از آنجایی که گریزان بودن از ثبت هر نوع نشانه و ایجاد سندی و روایت یا حدیث نفس (اتوبیوگرافی) در بین بیشتر نخبگان سیاسی و حتی اقتصادی، از جمله عادات ماست، جلب توافق نخبگان به گردآوری خاطرات و نشستن پای سخن آنان کار آسانی نیست؛ چه رسد به طرح سؤالاتی که خود موضوع تحقیقات مفصل‌تری است. بنابراین طرح سؤالات انتقادی، فضای گفت‌وگو و گردآوری خاطرات را کدر و شبه قضاوت ارزشی می‌کند و لذا واکنش‌های متفاوتی را برمی‌انگیزاند که به همان اندازه از اعتبار چنان خاطراتی می‌کاهد.

#### یادداشت‌ها:

۱. دستگاه‌های ضبط صوت وسیله‌ای ارتباطی هستند که وجوه فردگرایانه زیادی دارند؛ زیرا امکان دارد فرد مصرف‌کننده بر وسیله تسلط داشته و به طور فعال عمل کند. فرد صدای خود را ضبط می‌کند و خود را بلافاصله در آن می‌یابد. به عبارت دیگر، بر خلاف بیشتر وسایل ارتباطی این وسیله دوسویه است و فرد در آن حریم شخصی خود را تعریف شده نیز می‌بیند. همچنین، استفاده از انواع مختلف این وسیله از ضبط صوت‌های اولیه تا انواع مدرن و متنوع امروزی با رشد گرایش‌های فردگرایانه منطبق بوده است.

2. Iranian- American Relations, Oral History Research Office Columbia University, <http://www.Columbia.edu/cu/1web/indiv/oral/guides/iran>.

۳. برای بحثی در باره خاطره‌نویسی در میان زنان رک. Milani, 1996.

4. Iranian Left Oral History Project, (1920s-1990s), <http://www.iranian-1-o-history.com/Names.htm>.

5. Iranian-American Relations, Oral History Research Office Columbia university, [Ttp://www.Columbia.edu/cu/1web/indiv/oral/guides/Iran.html](http://www.Columbia.edu/cu/1web/indiv/oral/guides/Iran.html).

6. Iranian Jewish Oral History, Center for Iranian Jewish Oral History,

صورت یک منبع و مأخذ بارزش تاریخ نگاری درآمده است. به قول تود (Todd) در کتاب (Autobiographies in Freud and Derrida) می‌توان گفت که این خاطرات به صورت متنی درآمده‌اند که پس از نقل، زندگی مستقل خود را یافته و اینک آنچه واقعیت یافته است؛ چیزی جز متن نیست که درباره آن گفتگو شود. لذا این خاطرات اینک آماده‌اند تا در معرض نقد و تحلیل تاریخی قرار گیرند و آن‌ها را باید با توجه به موقعیت کنونی راوی و تاریخ حیات وی و اوضاع و احوال زمان و خلیقات و روحیات راوی خاطره قرار داد تا بتوان رویدادهای تاریخ معاصر دوره پهلوی را که غالباً ناشناخته و پر ابهام است، در روشنای آن دریافت. به عبارت دیگر باید گفت که با موقعیت اسناد و منابع یعنی دانستنی‌های ما از تاریخ معاصر در مقابل مسائل مطرح و حل نشده و مبهم در این دوران، اگر هم این خاطرات و یا هر نوع خاطره‌ای از عناصر کم اهمیت تا عناصر مهم به قصد تبرئه نظام سیاسی هم طرح و گردآوری شده باشد، همچنان ارزشمند است؛ زیرا به هر حال نمودار آرای راویان است. بعلاوه در این راستا به ویژه رشد مجموعه‌های تاریخ شفاهی باید از طرف دانش‌پژوهان و محققان به عنوان یکی از عناصر مهم تحقیق استقبال گردد. ذکر این مسئله بدین سبب است که برخی چنان چاقوی نقد در این‌گونه مجموعه‌ها می‌کشند که اساس عینیت و اعتبار علمی خاطره‌های فردی از این نوع را زیر سؤال می‌برند و یا دست کم این که به طور اخص به نوع سؤالات مطرح شده با راویان معترض‌اند. باید به این مسئله توجه بیشتری شود که موضوع تاریخ شفاهی در ادبیات تحقیقی امر نونهالی است و بنابراین تمامی اقدامات برای ایجاد این تاریخ مراحل توان‌فرسایی را طی کرده است. ممکن است برخی بر این گمان باشند که چرا سؤالات مهم‌تری با راویان در میان گذاشته نشده است و یا چرا به‌طور



org/series.htm.

Iranian - American Relations, Oral History Research Office Columbia University, <http://www.columbia.edu/cu/web/indiv/oral/guides/iran.html>.

Iranian Jewish Oral History, Center for Iranian Jewish Oral History, <http://ssgdoc.bibliothek.uni-halle.de/vlib/ssgfi/infodata/002343.html>.

Iranian Left Oral History Project (1920s-1990s). <http://www.iranian-1-0-history.com/Names.htm>.

Ladjevardi, H. (1985). "A Research note: role of oral History in Preparing Biographies". Iranian Studies, vol, Xviii, no.1, winter.

Milani, F. (1996). Writing Women's lives in Iran, Iran Nameh, XIV:4, Fall.

Saeidi, Ali A. (2004). Role of Iranian Oral History collection in preparing biographies, paper presented at ISA Research Committee on Biography and Society RC38 and the ESREA Research Network, Biography and Life History, Roskilde, Denmark, March 6-9.

Outhwaite, William and Bottomore, (1993). The Blackwell Dictionary of Twentieth-Century Social Thought, Edited By, Blackwell Publisher, U.K.

برگرفته از:

نامه صادق، شماره ۳۰.

parviz Mina, The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.

Afkhami. R. (1999a). Barnâneh rizi-ye umarâni va tasmim giri-ye siyâsi (Ideology, Process and politics in Iran's Development Planning), Interviews with Manuchehr Gudarzi, Khodadad Farmanfarnian, and Abdol- Majid Majidi. The Foundation for Iranian studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.

Id (1999b). san`at-e gâz-e iran: az âghâz tâ âstâne-ye enqelâb (The Evolution of Iran's Gas Industry: Organization, Policy, Assessment). Interview with Mohsen Shirazi, The Foundation for Iranian Studies, series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.

Id (2001a). San`at-e Petroshimi-e iran: az âghâz tâ âstâne-ye enqelâb (The Evolution of Iran's Petrochemical Industry). Interview with Baqer Mostowfi, The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.

Id (2001b). Siyâsat va siyâsat-guzâri-ye equesâdi dar iran, 1340-1350

(Ideology, Politics, and Process in Iran's Economic Development, 1960-1970). Interview with Ali-naghi Alikhani, Iran's minister of economy, 1963-1969, The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development <http://www.fis-iran.org/series.htm>.

Id (2002). Jâme`e, dowlât, va jonbesh-e 1941-1978). Interview with Mehrangiz Dowlatshahi, The Foundation for Iranian Studies, Series in Iran's Economic and Social Development, <http://www.fis-iran.org/series.htm>.